

اینجا، قطعنامه های متعدد هماهنگی اعضای

دائمی شورای امنیت را - طبق طرح منشور

سازمان ملل متحد - به نمایش گذاشت .

درواقع ، سازمان ملل متحد برای اولین بار

توانست طبق فصل هفتم اجازه استفاده از

نیروهای نظامی را تحت فصل هفتم منشور

صادر کند و این امر با توافق هر پنج عضو

دائمی صورت گرفت - در گذشته فقط در

مورد آفریقای جنوبی و رودزیا برخی

تحریمها به تصویب رسیده بود . همکاری

اعضای دائمی به دلیل پایان جنگ سرد امکان

پذیر شده بود و این همکاری به نقاط دیگر

بحرانی در مناطق مختلف جهان از جمله

نامیبیا، کامبوج و افغانستان نیز گسترش یافته

بود .

از نکات جالب توجه در کتاب، شرح

تفصیلی چگونگی توافق بر سر قطعنامه ها در

مشورت‌های غیر رسمی و نیز نقش کشورهای

غیر متعهد در ارائه طرح قطعنامه در مذاکرات

غیر رسمی است . درواقع ، وقتی قطعنامه ای

به جلسه علنی شورای امنیت می آید، غالباً با

بلند کردن دست و بدون مذاکره به تصویب

می رسد و این امر ناشی از مذاکرات

محرمانه، بویژه بین اعضای دائمی، است .

شایان ذکر است نویسنده کتاب به عنوان

یکی از اعضای هیئتهای نمایندگی از نزدیک

ناظر جریان کار در شورای امنیت بوده،

کتاب خود را با بیطرفی کامل به رشته تحریر

درآورده است .

هوشنگ مقتدر

استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران

## ژئوپلیتیک جدید ترکیه : از منطقه بالکان تا چین غربی

Fuller, G.E. and Lesser, Ian O., *Turkey's*

*New Geopolitics, From the Balkans to*

*Western China*, Boulder, Colorado:

Westview Press, 1993, 197 pages.

در خلال مطالعاتی که در مؤسسه رند درباره

مدیترانه، خاورمیانه، کشورهای حوزه بالکان

و شوروی انجام می شد، فکر انجام یک

ارزیابی جدید از چشم اندازها و جهت

گیری های آینده ترکیه نیز در پاییز ۱۹۹۰

شکل گرفت . لازم با یادآوری است که

مؤسسه رند به دلیل ارائه فکر و اطلاعات به

نهادهای سیاسی، اقتصادی و نظامی، بویژه

سازمان سیا، از مهم ترین مؤسسات پژوهشی

و مطالعاتی خصوصی آمریکاست .

پژوهشگران و تحلیل گران این مؤسسه سعی

دارند دولتمردان آمریکا را در هر صحنه سیاست

خارجی با پیشنهادها و توصیه های خود یاری کنند. تنظیم و تحریم کتاب ژئوپلیتیک جدید ترکیه: از منطقه بالکان تا چین غربی گرچه به طور رسمی در تابسان ۱۹۹۲ پایان یافت، ولی بروز تحولات در داخل و خارج ترکیه، از بوسنی گرفته تا آسیای مرکزی، موجب شد که کتاب به تجدید نظر و به روز آوردن اطلاعات نیاز پیدا کند و همین امر انتشار آن را تا ۱۹۹۳ به تأخیر انداخت.

کتاب مشتمل بر یک پیشگفتار، نوشته مورتون ابراموویتس، یک مقدمه، از یان لسر و ۵ فصل است.

فصل اول، «ترکیه: به سوی قرن بیست و یکم»، ریال هنز، فصل دوم، «جهت گیری جدید ترکیه در شرق»، را گراهام فولر، فصل سوم، «پل یا سد؟ ترکیه و غرب پس از جنگ سرد»، ریان لسر، فصل چهارم، «ترکیه، بازگشت به سوی بالکان»، را براون و فصل پنجم، «نتایج: نقش فزاینده ترکیه در جهان»، را گراهام فولر نوشته است.

طبق گفته یان لسر در مقدمه، نویسندگان طی فصلهای پنجگانه کتاب با در نظر گرفتن پرسشهای مختلف سعی در پاسخگویی به آنها کرده اند: ترکیه به کجا می رود؟ با توجه به فرصتها و چالشهای جدید، حلالی دراز مدت ترکیه چیست؟ آمریکا در برقراری روابط نهادی و دوجانبه با ترکیه چه تکالیف و الزاماتی دارد؟ جهت گیری آینده ترکیه بین

شرق اسلامی و غرب چگونه خواهد بود؟ آیا حلالی ترکیه و آمریکا در اروپا، خاورمیانه و آسیای مرکزی همپوشی دارد یا از هم جداست؟ دورنمای رفتار ترکیه در بحرانهای منطقه ای چگونه است؟

در فصل اول، پال هنز پس از بررسی جریانات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داخلی ترکیه، نتایجی چند می رسد. او اظهار می دارد که به رغم اهمیت روبه رشد اسلام، عناصر اسلام گرایی سیاسی نتوانسته اند در جامعه ترکیه پا بگیرند. در عین حال، به دنبال جنگ خلیج فارس، ملی گرایی ترکیه به منزله یک نیروی پر قدرت تر سر بر آورده است. جریانات داخلی ظاهراً خواستار یک سیاست خارجی و امنیتی فعال تر هستند، ولی شورش کردها در جنوب شرقی آناتولی و کارنامه مخدوش حقوق بشر ترکیه، آنکارا را همچنان با چالشهای داخلی و خارجی روبه رو ساخت. در آسیای مرکزی و خاورمیانه، ترکیه با فرصتهایی طلایی و خطراتی جدید روبه روست. در بخشهای ترک زبان شوروی سابق، ترکیه بسان یک مغناطیس سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و یک الگوی مهم غیر مذهبی برای توسعه عمل می کند.

در فصل دوم، گراهام فولر این وضعیت جدید و معنای آن برای ترکیه و نیز ظهور یک رقابت منطقه ای بالقوه خطرناک را با ایران

مورد بررسی قرار داده است. جنگ خلیج فارس و پیامدهای آن انگیزه لازم را برای شورش جدایی طلبان کرد در خاک ترکیه فراهم آورد. این جریان مناسبات بین ترکیه را با ایران، عراق، سوریه و حتی آمریکا تحت تأثیر قرار داده است. موقعیت ممتاز ترکیه از نظر منابع مهم و حساس، چه به شکل یک مجرا برای صدور نفت عراق و چه به صورت یک منبع آب برای همسایگان، نقش آنکارا در منطقه را استحکام خواهد بخشید.

در فصل سوم، یان لستر تحول و دورنمای مناسبات ترکیه را با غرب مورد بررسی قرار داده است. افق الحاق ترکیه به اروپا در مفهوم نهادی آن از طریق عضویت کامل در جامعه اروپا و اتحادیه اروپای غربی همچنان تیره است. جنگ خلیج فارس ترکیه را از نظر استراتژیک به صف مقدم ارتقا داد، هر چند که اهمیت جنگ سرد آن امروز رنگ باخته است. اما ارزش استراتژیک امروز ترکیه که عمدتاً منبعث از تحولات در آسیای مرکزی و خاورمیانه است، ادغام این کشور را در ترتیبات امنیتی اروپایی با مشکل روبه رو می سازد. ترکها علاقه مندند نقش کشور خود را به مشابه یک پل ارتباطی بین شرق و غرب - شمال و جنوب - توصیف کنند. اروپایی ها، برعکس، به طور روز افزونی تمایل دارند ترکیه را به صورت سدی در

مقابل آشوبها در حاشیه اروپایی و حتی به نوبه خود به عنوان یک منبع عدم ثبات بنگرند. تحلیل کتاب نشان می دهد که ترکیه در کل طرفدار غرب باقی خواهد ماند، این تفاوت که شیوه راهیابی به سوی همکاری امنیتی و منطقه ای با واشنگتن محتاطانه خواهد بود.

بعلاوه، چند برابر شدن تضادهای قومی و جنبشهای جدایی طلب در منطقه بالکان نیز نگرانی های زیادی برای آنکارا در پی داشته است.

در فصل چهارم، جیمز براون دورنمای احیای درگیری ترکها را در منطقه بالکان تصویر می کند. صرف نظر از بحران در یوگسلاوی - که ترکیه در صف مقدم درخواستها برای مداخله غرب در بوسنی قرار گرفته است - تحولات در آلبانی، مقدونیه، ترانس یونان یا بلغارستان می تواند نقش مستقیم تر سیاسی و حتی نظامی برای ترکیه را رقم زند. نگرانی برای سرنوشت قوم ترک و حدود ۹ میلیون مسلمان در کشورهای حوزه بالکان، هم اکنون بر مناظرات سیاسی ترکیه تأثیر محسوس خود را گذاشته است. تحلیل به این نتیجه می رسد که انزوای ترکیه از اروپا وضع مناسبات بین ترکیه و یونان و تحولات در منطقه بالکان را بدتر خواهد کرد.

سرانجام، در فصل پنجم، گراهام فولر با نگاهی گذرا به تحلیلهایی که در فصلهای گذشته انجام شده به ارائه برخی نتایج

می پردازد. فولر معتقد است که تغییرات درون و برون ترکیه دید ترکیه را نسبت بخود و رفتارشان را نسبت به دیگران سخت تحت تأثیر قرار داده است. فولر در ادامه بحث، دولت آمریکا را مخاطب قرار داده، پیشنهادهایی برای سیاست آمریکا در ترکیه و مناطق اطراف آن مطرح می سازد، سیاستهایی که با تعریف جدید ترکیه از علایق خود و عمل به آنها در چارچوب جدید ژئوپلیتیک اهمیت بیشتری خواهد یافت.

نقد و بررسی کتاب ژئوپلیتیک جدید ترکیه را از دو زاویه متفاوت می توان انجام داد: یکی از جهت هدف مؤسسه مطالعاتی رند (Rand) و نتیجه گیری هایی که به نظر می رسد از پیش اندیشیده شده باشند و دیگری از جهت محتوایی و پیش بینی های انجام شده درباره آینده فرصتها و چالشهای ترکیه. نویسندگان کتاب عمراً پژوهشگران با سابقه مؤسسه مطالعاتی رند هستند و در راستای هدفهای این مؤسسه به کار بررسی تحولات در مناطق حساس جهان و ارائه فکر و توصیه برای ثبات منطقه ای و سیاست آمریکا مشغول اند. در بین نویسندگان، گراهام فولر، تحلیلگر ارشد سیاسی و عضو سابق سیا که سالها به عنوان مأمور اطلاعاتی به پیش بینی دراز مدت رخدادهای خاورمیانه می پرداخته، به دلایل مختلف نقش اساسی در تهیه و تنظیم کتاب داشته است. او ضمن

آشنایی کامل به زبان ترکی، ۳ سال از دوران مأموریت خود را به عنوان مأمور سیاسی در استانبول گذرانده و بنابراین هم به اطلاعات دست اول دسترسی داشته و هم جامعه ترکیه را بخوبی شناسایی کرده است. او طی دوران بحرانی که منجر به فروپاشی شوروی شد (۱۹۹۳ - ۱۹۹۰)، مقالات و کتابهای متعددی درباره خاورمیانه و آسیای مرکزی انتشار داد: بررسی های رند درباره بنیادگرایی اسلامی در ترکیه، ایران و پاکستان، قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران (۱۹۹۱)، «دام دموکراسی: مخاطرات جهان پس از جنگ سرد (۱۹۹۲)» و نیز بررسی ترکیه مدرن.

آشنایی جامعه ایران با گراهام فولر، بویژه پس از انتشار کتاب ژئوپلیتیک ایران که آن را عباس مخبر در ۱۳۷۳ ترجمه کرد، بیشتر شده است.<sup>۱</sup> به منظور شناخت هرچه بیشتر انگیزه مؤسسه رند در حمایت مالی از انجام چنین مطالعاتی لازم است مقایسه ای هرچند اجمالی بین این دو کتاب که هر دو عنوان ژئوپلیتیک را به همراه دارند، به عمل آید. از جنگ جهانی اول به بعد و تجزیه امپراتوری عثمانی، برخورد آمریکا با ایران و ترکیه به عنوان دو کشور غیرعربی خاورمیانه که تا حدودی خود را از نزاع بین اعراب و اسرائیل دور نگاه می داشتند، مثبت و سازنده بود. این دو کشور که از بقایای دو امپراتوری رقیب

گذشته، یعنی ایسران و عثمانی، به شمار می رفتند، در جریان نوسازی جوامع خود گرایشهایی به غرب پیدا کردند. آهازگر این حرکت در ترکیه آتاتورك و دنباله رو او در ایران رضا خان بود. در واقع، تلاش جدی برای ایجاد دو دولت متمرکز ملی بر پایهٔ بوروکراسی غربی درون مرزهای تثبیت شده از سوی این دو صورت گرفت. در طول جنگ سرد، اهمیت استراتژیک این دو دولت به دلیل داشتن مرزهای طولانی (خشکی و آبی) با شوروی سابق و نقش ژئوپلیتیک تحریک یک ابرقدرت علیه دیگری موجب شده بود که کمکهای مالی و فنی آمریکا در راستای تحقق هدف مهار کمونیسم به این کشورها سرازیر شود. با بروز انقلاب اسلامی در ایران و سپس فروپاشی شوروی و تجزیهٔ آن به کشورهای مستقل کوچک و بزرگ و بالاخره متضی شدن تهدید از طرف ابرقدرت شوروی، اهمیت ژئوپلیتیک این دو کشور از دید آمریکا رنگ باخت. کتاب *قبلهٔ عالم: ژئوپلیتیک ایران در واقع با هدف ایجاد نوعی تفاهم و میانجیگری بین ایران غرب ستیز و آمریکای خفیف شده از طریق شناساندن بهتر فرهنگ سیاسی ایران به دولتمردان آمریکا تهیه شد.* کتاب ژئوپلیتیک جدید ترکیه نیز دو سال پس از آن و تقریباً به همان منظور، یعنی مترجه ساختن دولتمردان آمریکا و افکار عمومی و حتی رسانه های

گروهی آن به اهمیت دراز مدت ترکیه که به قسول سفیر آن کشور، آبرامووتیس، از جغرافیای آن ریشه می گیرد و نقش جدید ترکیه در منطقهٔ بحرانی وسیعی که از شبه جزیرهٔ بالکان تا چین غربی ادامه دارد، تدوین شد. از این مشابهت ها که بگذریم، امروز بین دو کشور ایران و ترکیه تفاوت های مهم و حساسی وجود دارد که همین امر در شیوهٔ گراهام فولر در بررسی ژئوپلیتیک دو کشور اثر داشته است. ایران کشوری که در گذشته طرفدار غرب بود، امروز به عنوان ام القرای اسلامی با امپریالیسم و فرهنگ غرب در ستیز است. در حالی که ترکیه که در گذشته دارای حکومت اسلامی بود و ادارهٔ بخش مهمی از جهان اسلام را بر عهده داشت، امروز به عنوان یک کشور «غیر مذهبی» و طرفدار ارزشهای فرهنگ غرب خواستار نزدیکی هر چه بیشتر به اروپاست. در نتیجه، فولر کتاب *ژئوپلیتیک ایران را با شیوهٔ کلاسیک و با توجه به عوامل ژئوپلیتیک، تاریخی و ویژگی های فرهنگی سیاسی ایران که به عقیدهٔ او تحت تأثیر همین عوامل ژئوپلیتیک و تاریخی قالب ریزی شده اند، تدوین کرده است.* در صورتی که در مورد ترکیه با خوشبینی تمام «تکامل جامعهٔ ترکیه» را نقطهٔ آغاز مطالعهٔ خود قرار داده و به آیندهٔ این کشور به عنوان رهبر منطقه ای امید فراوان دارد.

(مقدمه کتاب، ص XII و پیشگفتار VII).

در ضمن نویسندگان کتاب با ارائه تعریفی جدید از علائق دراز مدت ترکیه در شرایط جدید و عنوان کردن ایران به صورت یک رقیب بالقوه خطرناک در آسیای مرکزی و قفقاز این کشور را به بهره برداری هرچه بیشتر از فرصت‌ها ترغیب کرده اند.

به رغم تغییرات مهمی که طی دو سال اخیر در مسائل منطقه ای و جهانی به وقوع پیوسته کتاب ژئوپلیتیک جدید ترکیه به دلیل اساسی بودن خطوط تحلیل و آگاهی عمیق نویسندگان، بویژه گراهام فرلر، از جریانات منطقه قابل استفاده است. ولی به نظر نگارنده، مسئله کردها به عنوان یک پدیده واقعی ژئوپلیتیک که اهمیت نقش عوامل جغرافیایی (طبیعت ناهموار و کوهستانی منطقه کردستان و پراکنش یک گروه قومی میان ۵ کشور مجاور) را در رابطه بین دولت‌ها به معرض نمایش می گذارد، سزاوار بررسی بیشتر است.

مسئله کردهای ترکیه به دلیل ماهیت خاص خود از بعد منطقه ای آغاز شده و سپس در جامعه ترکیه نمود یافته و در نهایت اهمیت بین المللی پیدا کرده است. حکومت‌های ترک طی سالهای متمادی با اطلاق اصطلاح «ترک‌های کوهستان» به کردها وجود مسئله ای به نام کرد را انکار می کردند و استدلال شان این بود که میان

ترک و کرد از نظر رسیدن به مقامات بالای سیاسی و نقش‌های اقتصادی و اجتماعی هیچ تفاوتی نیست و آنچه تعیین کننده است استعداد و قابلیت فردی است. بروز جنگ عراق علیه ایران در آغاز دهه ۸۰ محرک بروز مسئله ای به نام کرد شد. در این جنگ، دو طرف مخاصمه از عنصر کرد خود علیه یکدیگر استفاده می کردند و همین امر به فعال شدن حزب کارگران کردستان (PKK) که پایگاهشان در شمال عراق بود و تبدیل شدن آن به یک شورش نظامی در اواسط ۱۹۸۴ کمک کرد.<sup>۲</sup> کاربرد گاه‌های شیمیایی از سوی صدام در حلبچه کشتار مردم مظلوم کرد در شمال عراق وضع را تشدید کرد و در پایان، جنگ خلیج فارس شکل گیری یک استان خودمختار کردنشین در منطقه امنی که با کمک نیروهای متحدین به رهبری آمریکا از سوی سازمان ملل متحد به وجود آمده بود، به هرچه شدیدتر شدن مسئله و پیچیدگی آن کمک کرد. در ۱۹۹۱، اوزال، رئیس جمهور وقت ترکیه، برای سروسامان دادن به مسئله برای اولین بار به وجود مسئله ای به نام کرد اعتراف کرد و ضمن تأکید بر حفظ یکپارچگی ملی با اعطای برخی امتیازات فرهنگی و احیاناً خودمختاری موافقت نمود. از این تاریخ به بعد، آموزش زبان کردی و استفاده از آن در رسانه ها و مطبوعات که تا آن زمان ممنوع بود، آزاد شد

و انتشار کتابها و نشریات متعدد بزبان کردی و ترکی که آشکارا مظلومیت کردها را مورد بحث قرار می داد، رواج یافت.<sup>۳</sup> از همین زمان مسئله کردها در ترکیه بعد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیدا کرد.

حکومت جانشین اوزال، دمیرل و چیلر، که از امتیازات داده شده از سوی او ناخشنود بودند، به منظور برهم زدن تشکل کردها در منطقه جنوب شرقی که حال نام جدید «منطقه بحران» را بخود گرفته بود و جهت بهتر کنترل کردن ساکنان منطقه به اخراج جمعیت و جای دادن آنها در مناطق مرکزی و شهرهای عمده دست زدند. طبق اظهار مجمع حقوق بشر ترك در نوامبر ۱۹۹۴، بیش از ۱۴۰۰ روستا و آبادی در منطقه جنوب شرقی بزور تخلیه و به آتش کشیده شد. در نتیجه این عملیات بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر از کردها به صورت پناهندگان خانگی درآمدند.<sup>۴</sup> رشد جمعیت بی سابقه دیاربکر، پایتخت منطقه مرکزی، از ۵۰۰ هزار به ۱/۲ میلیون نفر (طی ۱۸ ماه) بهترین سند برای این جابجایی است. گسترش دامنه جنگ از این منطقه به استانهای مجاور (اورفا، سیواس و ارزروم)، انجام عملیات امنیتی با هزینه های معادل ۶ میلیارد دلار و نیز هزینه اسکان کردهای جابجا شده در روستاهای مرکزی بر اقتصاد منطقه تأثیراتی فاجعه بار برجای گذاشت.<sup>۵</sup> دولت اعلام کرد به منظور تهیه مسکن برای حدود ۳۲ هزار نفر از صدها هزار کرد پناهنده از شورای اروپا درخواست یک وام ۲۸۰ میلیون دلاری نموده است.<sup>۶</sup> گذشته از بار مالی، دیگر پیامدهای این عملیات جابجایی جمعیت، ایجاد نفرت در میان کردها بود، چه آنها که در منطقه جنوب شرقی بودند و بر اثر جابجایی خانه و کاشانه خود را از دست داده بودند و چه آنها که در شهرهای عمده منشأ خدمات مهم و ارزنده سیاسی و اجتماعی بودند. همین امر کردها را به همدردی بیشتر با اقدامات حزب کارگران کردستان واداشت.

مسئله کردها از نظر سیاسی نیز پیامدهای نامطلوبی برای دولت ترکیه در بردارد. ترکیه به عنوان عضو ناتو و متحد آمریکا برای پیوستن به اتحادیه گمرکی و در نهایت اتحادیه اروپا در تلاش است و لذا از خدشه دار شدن چهره دموکراتیک خود بسیار نگران می باشد. تا به حال، دولت یونان موفق شده عضویت ترکیه در اتحادیه گمرکی را موکول به برداشتن گامهایی مثبت از سوی این کشور جهت حل مسئله قبرس کند. پارلمان اروپا نیز تصویب موافقت نامه اتحادیه گمرکی را به بهبود وضعیت حقوق بشر در ترکیه موکول کرده است.<sup>۷</sup>

با گشایش پارلمان در تبعید کردستان در آوریل ۱۹۹۵ در لاهه، حزب کارگران کردستان به تریونی جدید برای ابراز عقیده و

احساسات خود است یافته اند.<sup>۸</sup> پارلمان در تبعید کردستان در اولین بیانیه خود خواهان توقف فوری عملیات نظامی ترکیه در شمال عراق و بیرون رفتن ارتش ترکیه از مناطق اشغالی شد. سه هفته بعد، دولت ترکیه دو سوم از نیروهای اولیه ۲۵ هزار نفری خود را از عراق فرا خواند؛ ولی سربازان نزدیک مرز پناه گرفتند و بیش از ۱۰ هزار نفر از آنها به پاك سازی منطقه از عناصر شورشی، قطع خطوط تدارکاتی و انهدام تجهیزات آنان پرداختند. طبق گفته فرماندهان ارتش ترکیه، نیروهای حزب کارگران کردستان بشدت ضربه خورده و تار و مار شدند؛ بیشتر کردهای شورشی نیز قبل از رسیدن سربازان ترك، به منطقه سرحدی (به عرض ۱۴۰ مایل و عمق ۲۵ مایل) فرار کردند.<sup>۹</sup> در ژوئیه ۱۹۹۵، آنکارا بار دیگر ۲ هزار نیرو به کردستان عراق فرستاد تا تنگه های معروف «سیندی» و «شبانیه» را که از نظر استراتژیک مهم هستند زیر نظر گیرند؛ می گویند که راه اصلی ورود کردها به ترکیه از طریق این تنگه است. از سوی دیگر، دولت ترکیه در موارد مختلف ترسیم مجدد مرزهای ترکیه و عراق را عنوان کرده که در آن صورت مرز به جنوب کوههای مرزی تغییر خواهد یافت و موصل به دست ارتش ترکیه خواهد افتاد.<sup>۱۰</sup> عراق در این گونه اظهارات بسیار ناخشنود است و مسلماً در آینده و تغییر مرز جنگهای خونینی

در پی خواهد داشت. بعد بین المللی مسئله کردها و فشاری که از طرف قدرتهای بزرگ به ترکیه وارد می شود نیز به پیچیده تر شدن موضوع کمک کرده است. آمریکا در مقابل کردها سیاست دوگانه دارد. از یک طرف کردهای شمال عراق را علیه حکومت مرکزی مورد حمایت خود قرار داده و از اعطای خودمختاری به آنها پشتیبانی می کند و از طرف دیگر، با ایجاد یک دولت به نام کردستان مخالفست می نماید. آمریکا حزب کارگران کردستان را حزبی تروریست که هیچگونه مشروعیت سیاسی ندارد، قلمداد می کند. در گزارش وزارت امور خارجه آمریکا به کنگره ضمن تأکید مجدد بر اهمیت همیشگی ترکیه به عنوان یک متحد ثابت ناتو گفته شده که حاکمیت و تمامیت ارضی ترکیه مورد تهدید حزب کارگران کردستان است و چون امنیت ترکیه، چه داخلی و چه خارجی، در شمار علایق آمریکاست، باید از دموکراسی ترکیه حمایت کرد و بنیادگرایی را از بین برد.<sup>۱۱</sup> در مقابل، در ۶ ژوئن ۱۹۹۵، کمیسیون امنیت و همکاری اروپا از رئیس مجمع حقوق بشر ترکیه، اکین برایدل (Akin Bridal)، درباره امکان مذاکره جدی بین ترکها و کردها سؤال کرده، اظهار می دارد: «اگر می خواهید دموکراسی داشته باشید چنین مذاکراتی لازم است، ولی در ترکیه دموکراسی نیست.»<sup>۱۲</sup>



طرفداران نظریه جهان چهارم که در پی ترسیم مجدد نقشه سیاسی جهان بر اساس پراکنش ملتها هستند، به خود آگاهی کرده‌اند. این جنبش جهانی که استادان دانشگاه، طرفداران حقوق بشر، حقوقدانان و رهبران مقاومت ملی آن را رهبری می‌کنند، الگوهای جهانی کشتار جمعی و تخریب محیط زیست را زاینده سرکوب و استثمار ملتها از سوی دولت‌های مدرن می‌داند.<sup>۱۳</sup>

#### راه‌حلهای گوناگون برای مسئله کردهای ترکیه

تانسو چیلر، نخست‌وزیر ترکیه، معتقد است که مسئله کردها را فقط باید از راه نظامی حل کرد، ولی به طور غیرمستقیم به راه حل دموکراتیک نیز اشاره دارد. عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان، خواهان مذاکره است و راه حل نظامی را مردود می‌داند. حزب رفاه اسلامی ترکیه نیز با راه حل نظامی مخالف است و همگام با سایر احزاب ترکیه با اعطای حقوق فرهنگی به کردها و توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه جنوب شرقی، حفظ یکپارچگی ترکیه را مورد تأیید قرار می‌دهد.<sup>۱۴</sup> برخی از ترکها راه حل مطلوب را ظهور یک حکومت مقتدر در بغداد که بتواند شمال عراق را در کنترل کامل خود قرار دهد،

عنوان می‌کنند. چنین وضعی از نظر دولتهای همسایه، ایران و سوریه، نیز مطلوب است. تاکنون، در راستای حفظ حاکمیت و یکپارچگی عراق، نشستهایی بین وزیران خارجه سه کشور ترکیه، سوریه و ایران صورت گرفته که آخرین آنها در ۱۷ شهریور سال جاری (۱۳۷۴) بوده است.<sup>۱۵</sup> برخی دیگر از ترکها که موجودیت یک دولت کرد را در دراز مدت غیرقابل اجتناب می‌دانند، معتقدند که دولت ترکیه با کمک به ایجاد آن، دوستی آنها را برای خود خراب کرده و بعدها می‌تواند از اعمال نفوذ آنها بهره برداری کند.<sup>۱۶</sup>

در پایان می‌توان گفت که با محروم کردن کردها از بحث و مذاکره و مظلوم نشان دادن آنها، مسئله کردها روز به روز حمایت مردمی بیشتری را بخود جلب می‌کند و به صورت یک معضل بزرگ منطقه ای در می‌آید؛ در صورتی که اگر بتوان به نیازهای مشروع آنها پاسخ گفت و به حال مشکلات اقتصادی آنها پرداخت، ضمن اعمال دموکراسی از کشیده شدن آنها به افراط‌گرایی و جدایی طلبی نیز جلوگیری خواهد شد.

دزه میر حیدر

استاد جغرافیای سیاسی

دانشگاه تهران

## شرق شناسی، فرامدرنیسم و جهان گرایی

Bryan S. Turner, *Orientalism, Postmodernism and Globalism*,  
London: Routledge, 1994, 228 pages.

تا سالهای اخیر، یک فرضیه تقریباً پذیرفته شده بین نظریه پردازان علوم اجتماعی معاصر در خصوص نقش مؤثر توسعه نظام سرمایه داری و نوسازی فرهنگی، زوال عقاید و تعهدهای مذهبی بوده است. در این راستا، تاریخ مسیحیت به عنوان مثال خوبی از این فرایند کلی به سوی جامعه و فرهنگ غیر مذهبی (لائیک)، صنعتی و بشری ارائه شده است. می گویند تفکر مدرن بودن با الهام از علوم جدید، براساس اعتقاد به پیشرفت بی پایان دانش و نیز اعتقاد به ترقی در جهت بهبود دائمی اخلاقی و اجتماعی، علیه نقش بحران زای سنت و مذهب طفیان کرده و همین تغییر موجد ذهنیت فراگیر مدرن و نگرشی تازه به زمان، مکان و ماده بوده است.

در عین حال، بسختی می توان ادعا کرد که مدرنیسم خود فرایندی یک طرفه و بدون بحران بوده است. جامعه شناسانی چون دانیل بل از سالها پیش ریشه بحران جوامع غربی را در جدایی فرهنگ و جامعه یافته و

۱. گراهام فولر، تبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: ۱۳۷۳.
۲. جواد انصاری، ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳، صص ۲۴۴-۲۵۳ و ۲۲۱-۲۲۲.
۳. همان کتاب، صص ۲۲۳-۲۲۴، Fuller, Turkey's New Geopolitics, ..., pp. 43-44.
4. Turkey, "Country Report, 1st Quarter 1995", *Economist Intelligence Unit*, p. 14.
5. *Ibid.*, p. 14.
6. *Kurdish Life*, No. 14, Spring 1995.
7. Country Report, *op. cit.*, p.11.
۸. فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۲. *Kurdish Life*, No. 14.
9. *The Los Angeles Times*, 2 May, 1995; Nicole Pope, *Kurds+Turks Play a Deadly Cat- and- Mouse Game at Border; Nature and Politics Conspire to Thwart a Permanent Solution to the Tensions*.
10. *Iraq Update*, No. 139, 5 May, 1995.
۱۱. این اظهارات کریستین شلی، سخنگوی وزارت خارجه به کنگره، است. *Kurdish Life*, *op. cit.*... The same page.
12. *Ibid.*
13. George J. Demko and William B. Wood, (ed.), *Reordering the World*, Boulder, Colorado: Westview Press, 1994, p. 225.
۱۴. انصاری، همان کتاب، صص ۲۵۲.
۱۵. کیهان، اطلاعات و همشهری. (۱۹ شهریور ۱۳۷۲).
16. *Turkey's New Geopolitics*, *op. cit.*, p. 61.